

مقاله‌ی پژوهش تاریخی مروری

## دستمزد پزشکان در جهان ایرانی پیش از اسلام بخش اول: دستمزد پزشکان در اوستا و متون مرتبط با سنت اوستایی

پیام شمس الدینی\*

۱. دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۹، پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱/۲۳

### چکیده

بررسی جنبه‌های خاصی از تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران به دلیل در دست نبودن منابع همواره پژوهشگران را در مضیقه قرار می‌دهد. تحقیق حاضر در جستجوی شناخت نظامی حقوقی از میزان دستمزد پزشکان در ایران باستان، ناگزیر از آن بوده‌است که به متن‌هایی ظاهراً نامرتب با حوزه تاریخ علم پزشکی نیز دست یازد. این پژوهش در سه بخش پیاپی بر اساس متون دینی، متون تاریخی و سرانجام متون ادبی سعی در شناسایی چند و چون دستمزد پزشکان در جهان ایرانی پیش از اسلام دارد. در بخش اول دستمزد پزشکان در اوستا و متون مرتبط با سنت اوستایی مانند گات‌ها، یشت‌ها و وندیداد بررسی شده‌اند. در این متون دستمزد پزشکان بر اساس طبقه اجتماعی بیمار، طبقه صنفی پزشک و نوع بیماری تعیین و دستمزدها نیز غالباً به دو گروه مادی و معنوی تقسیم شده‌اند. دستمزدهای مادی می‌توانند نقدی یا جنسی باشند. دستمزدهای معنوی شامل استحقاق برای دعای خیر هستند.

**کلید واژه‌ها:** پزشکی، سنت اوستایی، اوستا، وندیداد، دستمزد.

### مقدمه

این مقاله در پی آن است تا روشن سازد دستمزد پزشکان در ایران باستان به چه شیوه‌هایی محاسبه و پرداخت می‌شده‌است. هدف اصلی این تحقیق روشن ساختن جنبه‌های فرهنگی- اجتماعی حضور پزشکان در جوامع ایران باستان و نحوه تعامل اقتصادی ایشان با آن جوامع است. بنابراین با پرسش‌هایی از این دست روبه‌رو هستیم: پزشکان در ایران باستان چه دستمزدهایی دریافت می‌کرده‌اند؟ این دستمزدها بر اساس چه اصولی محاسبه می‌شده‌اند؟

این بخش از مقاله بر اساس متون دینی پیش از اسلام تنظیم شده‌است. این متون اطلاعات ارزنده‌ای از نظام‌های مختلف حقوقی رایج در ایران باستان را پیش رو قرار می‌دهند. با این حال داده‌های منبعث از این متون نوعاً دستمزدهای بالقوه را مطرح می‌سازند و قابلیت تعمیم یافتن به تمامی ادوار تاریخ ایران باستان را ندارند.

### \*نویسنده مسؤول:

نشانی کامل پستی: تهران، خیابان طالقانی، خیابان برادران مظفر، بن بست صفا، شماره ۴، طبقه ۴، تلفن: ۶۶۴۱۲۵۲۶

Email: Shams\_payam@yahoo.com

### گات‌ها (گاهان زرتشت)

گاهان قدیمی‌ترین بخش از اوستای موجود را تشکیل می‌دهد و یکی از مهمترین منابع در بررسی زندگی زرتشت است. گاهان که در هزاره اول پیش از میلاد سروده شده‌است، در نظم کنونی اوستا بخشی از یسنا به شمار می‌رود. در سنت گاهانی (گات‌ها، یسنا، هات ۳۱، بند ۱۹)، زرتشت پیامبر خود شخصاً فردی است «دانا [...] که درمان بخش زندگانی است» [۱]. این اندیشه در چند فقره دیگر از گاهان (گات‌ها، یسنا، هات ۴۴، بند ۲) نیز تکرار شده است. از جمله آنهاست:

«... ای اهورا! چگونه در آغاز بهتر جهان پاداش سود دهد به کسی که آن را دریافت خواهد کرد؟ ... آن پاک سراسر انجام را نگران (است)، آن دوست درمان بخش زندگی، ای مزدا!» [۲].

در این بند زرتشت پیامبر از مزدا اهورا می‌پرسد که آیا همچنان که مردم در این جهان امید مزد کردارهای نیک خود را دارند، در جهان دیگر نیز از مزد آن کردارها بختیار و کامیاب خواهند شد؟ از فحوای آخرین کلمات این بند چنین بر می‌آید که زرتشت - یعنی همان دوست و پزشک زندگی - مردم را به رستگاری و پاداش آن جهانی نیز نوید می‌دهد. این اندیشه بار دیگر در یسنا، هات ۴۴، بند ۱۶ نیز آمده و از زرتشت با عنوان «آن رَد درمان بخش زندگی» یاد شده است [۳].

علاوه بر این‌ها در گاهان (گات‌ها، یسنا هات ۳۱، بند ۱۹)، چنین آمده‌است که زرتشت کسی است که در روز واپسین، در هنگامه آزمایش بزرگ در برابر زبانه‌های آذر ایزدی می‌ایستد و «در هنگام پخش مزد هر دو

زرتشت هنوز معاملات به صورت تهاتری بوده، سکه معمول نبوده و مزدها با عین جنس پرداخت می‌شده‌است. ابراهیم پورداوود از بیان این مطلب، قدمت گات‌ها را استنباط نموده‌است. او متذکر شده‌است که در اوستا غالباً مزد طبیب یا آتوربانان با گاو و گوسفند و استر پرداخت می‌شده‌است. نمونه دیگری از این گونه مزد در یسنا، هات ۴۶، بند ۱۹ [۱۲] مشاهده می‌شود:

«کسی که از برای من زرتشت از روی دین درست، به جای آورد آنچه را که به کام من سازگارتر است، به آن کس (سبزد) مزد، به آن کسی که جهان آینده ارزانی شده یک جفت چارپای بارور با هر آنچه آرزومند است: و این را از برای من خواهی ساخت، ای مزد، تو ای کسی که چاره‌سازتری».

از این فقره از گاهان، ترجمه دیگری از پورداوود نیز در دست است که البته در آن به چنین مواردی اشاره نشده است:

«کسیکه بهترین حاجت مرا که زرتشت هستم بر طبق آئین مقدس برابم بجای آورد، چنین کسی در زندگی آینده در سرزمین جاودانی از نعمت فراوان برخوردار گردد» [۱۳].

این اختلاف در تفاسیری که بر یسنا، هات ۵۰، بند ۲ نوشته شده، چنین توضیح داده شده است که از واژه گاوا<sup>۱</sup> (= گاو یا چارپا) از روی استعاره پاداش روز بازپسین و بخشایش مینوی نیز اراده می‌شده است [۱۴].

البته در اینجا ذکر این نکته نیز قابل توجه است که بنا بر اسناد به دست آمده از الواح باروی تخت جمشید، در دوران هخامنشیان دستمزدهایی بر پایه گوشت تنها به کارمندان رده‌های بالا تعلق می‌گرفته‌است [۱۵]. توضیح بیشتر در این باره و شرح دلایل موازی بودن این دستمزدها در بخش دوم مقاله با عنوان «دستمزد پزشکان در منابع تاریخ ایران باستان» آمده‌است.

### اردیبهشت یشت

یشت‌ها بخشی از اوستای متأخر است که از ۲۱ یشت تشکیل شده و هر یک از این بخش‌ها در ستایش یکی از ایزدان یا فرشتگان بوده‌است. در بخشی از اردیبهشت یشت، یعنی یشت ۳، بند ۵، برابر با یسنا، هات ۵۴ که به نام «آئیریمَن ایشیه» مشهور است، مسائلی مرتبط با امور پزشکی در ایران باستان آمده است. آئیریمَن در واقع دعا و نیایشی بوده است به منظور درخواست درمان که به درگاه ایزد درمان بخشی و عنصر پیکارگر بر ضد زشتی‌ها و بدی‌ها به نام «آئیریمَن ایشیه» به جای آورده می‌شده‌است. باید به خاطر داشت که در فرگرد ۲۲ از کتاب وندیداد نیز از ایزد آئیریمَن یاد شده‌است. در این فرگرد چنین آمده‌است که اهورامزدا به یاری آئیریمَن ۹۹ هزار و ۹۹۹ ناخوشی را که اهریمن به وجود آورده بود، شفا بخشید [۱۶]. در این یشت تقسیم‌بندی خاصی از پزشکان ارائه شده‌است که بعداً بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

ایرانیان باستان علاوه بر پرداخت پاداش‌های مادی و این جهانی، پاداش‌هایی معنوی نیز برای پزشکان قائل بوده‌اند [۱۷]: در سنت اوستایی مطالبی درباره ثریته<sup>۲</sup>، نخستین پزشک در تاریخ داستانی ایران

گروه<sup>۳</sup>، نیکوکاران و بزه‌گران، استواری سخنانش آشکار می‌شود [۴]. از این رو باید به او گوش فرا داد. بنابراین کسانی که به فرمانهای مزدا اهورا گوش فرا دهند، علاوه بر بخشایش مزدا در روز پسین، «در همین جهان خاکی» نیز «به پاداشی گرانبها خواهند رسید» (گات‌ها، یسنا هات ۳۴، بند ۱۲-۱۴) [۵]:

«سوشیانتها از آن [راه] خواهند خرامید به سوی مزدی که به نیک اندیشان پیمان داده شده، (مزدی) که بخشایش تُست، ای مزد!».

در این سه بند از گاهان ابتدا از مزد نیکوکاران در سرای دیگر سخن رفته و پس از آن پاداش ایزدی ایشان به ازای «کنش [و] منش نیک در زندگانی جهانی» یاد شده است. در بندهای دیگری مانند یسنا، هات ۴۳، بند ۴-۵ [۶] نیز بار دیگر از آزمایش روز پسین، زبانه آذر ایزدی و مزد دادن به نیکوکاران و گناهکاران یاد شده است. بنابراین در اندیشه‌های گاهانی، اهورامزدا نه تنها پس از پایان یافتن زندگی جهانی، بلکه در این جهان نیز بدان را از خوبان باز شناخته به هر یک از آنان مزد و پاداشی که در خور هستند، خواهد داد.

پس تا اینجا روشن شد که در متن گاهان، از یک سو زرتشت پیامبر، چنان پزشکی که درمان بخش زندگی است، قلمداد می‌شود؛ و از سوی دیگر توقع می‌رود که نه تنها در جهان دیگر، جهان مینویی به پاداشی فراخور از جانب مزدا اهورا دست یابد، مانند یسنا، هات ۵۱ بند ۴، [۷]؛ و نیز یسنا، هات ۵۱ بند ۱۵، [۸]، بلکه در همین جهان گیتی نیز مزدی شایسته کوشش‌هایش دریافت کند. اما آن مزدی که زرتشت امیدوار است تا در این جهان نیز چون جهان دیگر به آن دست یابد، چیست؟

«این از تو می‌پرسم، درست به من بگو، ای اهورا: چگونه ای اردیبهشت! به آن مزد ارزانی خواهیم شد، [مزدی برابر با] ده مادبان با [جفت] نر و یک شتر که به من پیمان داده شده، ای مزد، ... کسی که مزد، به آن کسی که به آن ارزانی است ندهد، به آن کسی که به او به‌درستی پیمان داده شده: چه سزائی از برای او نخست خواهد بود؟ از آن (سزائی) که در پایان از برای او خواهد بود، آگاهم» [۹].

استاد فقید ابراهیم پورداوود دو ترجمه از گات‌ها از خود به یادگار گذاشته است. در این مقاله از هر دو ترجمه پورداوود استفاده شده است. در نخستین ترجمه ابراهیم پورداوود این مطلب به صورتی روان‌تر چنین آمده است:

«از تو می‌پرسم ای اهورا! به‌راستی مرا از آن آگاه فرما، آیا ای اش! ده مادبان و یک شتر و یک اسب که وعده داده شده به من خواهد رسید؟ ... چه چیز است سزای کسی که در این جهان در وعده خویش پایدار نماند و مزدی که در مقابل کار و خدمت است نپردازد، سزای چنین کسی را که در دیگر سرای دچار آن خواهد شد، می‌دانم» [۱۰].

از مفاد این دو بند روشن می‌شود که ده جفت اسب نر و ماده و یک شتر مزد کاری بوده است که باید به زرتشت داده می‌شد و داده نشده است. از این رو زرتشت پیامبر از اهورامزدا می‌پرسد تا بداند اگر کسی در برابر کاری که پیمان داده شده، مزدی نپردازد، چنین پیمان‌شکنی در همین جهان چه سزایی خواهد یافت؟ سزای چنین گناهکاری در جهان دیگر نزد پیامبر روشن بوده‌است [۱۱].

مطلب دیگری که از این دو فقره استنباط می‌شود این است که در زمان

1. Gao  
2. θrita

شده است. دامپزشکان ایران باستان به ازای درمان یک ستور بزرگ، میانه‌ترین ستور را دستمزد می‌گرفته‌اند و برای درمان میانه‌ترین ستور، کوچک‌ترین ستور را، پاداش درمان کوچک‌ترین ستور یک چارپای کم‌ارزش؛ و پاداش درمان یک چارپای کوچک تنها خورشی از گوشت بوده است.

چنانکه پیش از این نیز ذکر شد، دستمزدهایی که در بند ۴۱ و بعد، از وندیداد برای پزشکان برشمرده شده بر اساس دام، چهارپا و جنس تعیین شده است. از این نوع تخصیص دستمزدها چنین نتیجه گرفته‌اند که این قوانین بسیار دیرینه هستند و به ساختار جامعه‌ای تعلق دارند که هنوز از پول در آن آگاهی و نشانی نبوده است [۲۳].

در وندیداد (فرگرد هفتم، بند ۴۱) پیش از آن که دستمزد و حق‌العلاج پزشکان نسبت به جایگاه بیمار در خانواده، روستا یا کشور ذکر شود؛ بر خورداری از آفرین (= دعای خیر) دانای دین به عنوان نوعی پاداش معنوی برای پزشکی که موبد آتوربان را درمان کند، در نظر گرفته شده است [۲۴ و ۲۵]. این آفرین را می‌توان در زمره دستمزدهای معنوی رده‌بندی کرد.

نتیجه‌ای که از مندرجات وندیداد می‌توان گرفت، این است که دستمزد پزشکان بنا به توصیه مغان مؤلف، باید بر اساس طبقه اجتماعی بیمار، طبقه صنفی پزشک و نوع بیماری تعیین گردد. بنا بر این توصیه‌ها دستمزدها به دو گروه مادی و معنوی تقسیم می‌شوند. دستمزدهای مادی می‌توانند نقدی یا جنسی باشند. دستمزدهای معنوی شامل استحقاق برای دعای خیر هستند.

بنا به دلایلی که بعداً توضیح داده خواهد شد، همواره در کنار شرح دستمزد پزشکان، از مجازات درمانهای نادرست نیز سخن رفته است. در بند هفتم از فرگرد هفتم وندیداد شریایی که پزشکان مزدپرست به موجب آن می‌توانند میان مزدیسنان طبابت کنند، آمده است. هر پزشک برای به دست آوردن پروانه پزشکی، لازم بود دوره‌ای آزمایشی را در میان دیوپرستان بگذراند. هرگاه می‌توانست سه دیوپرست را معالجه کند، مجوز پزشکی میان مزدپرستان را به دست می‌آورد و اگر نمی‌توانست چنین کند، برای همیشه از طبابت میان مزدپرستان محروم می‌شد [۲۶]. مجازات چنین فردی، مجازات آزار رساندن عمدی بوده است:

«و مبادا پس از آن مزدیسنان را داور و درمان و طبابت کنند. و مباد جراحی کنند مزدیسنان را. و مباد جراحی کنند بر زخم ... اگر پس از آن مزدیسنان را دارو و درمان و طبابت کنند، اگر جراحی کنند مزدیسنان را، اگر جراحی کنند بر زخم؛ مجازات آن، زخم زدن [و] زخم را [وارد کردن] از روی آگاهی کرده [= گناه و جنحه عمدی] است» (وندیداد، فرگرد هفتم، بند هفتم، ۳۸).

از آنجا که همیشه پزشکانی بدون آموزشهای کافی به این حرفه روی می‌آوردند و اغلب نیز در درمان موفق نمی‌شدند؛ نیز برای پیشگیری از ورود شیادان و پزشک‌نمایان به حرفه پزشکی همواره مجازاتهای

آمده است. در وندیداد و هوم‌یشت آمده است که ثریته از خواص درمانی گیاه «هوم» آگاه شد. او نخستین کسی بود که هوم را فشرده و و شیره آن را برای دارو و درمان به دست آورد، پس مستحق این پاداش شد که آرزوی او برآورده شود و دو پسر برای او زاده شوند [۱۸].

## وندیداد

وندیداد نوزدهمین نسک از اوستایی است که در دوره ساسانیان تدوین شده است و تنها نسکی است که به صورت کامل به ما رسیده است. این کتاب در ۲۲ فرگرد (=فصل) تدوین شده است. تدوین قوانین مندرج در وندیداد را به مغان ساکن بین‌النهرین در زمان مادها نسبت داده‌اند و از هماهنگی میان این قوانین و قوانین حمورابی سخنانی در میان است [۱۹]. در بخش دوم از فرگرد هفتم، بند ۴۴ از وندیداد از رده‌بندی پزشکان یاد شده است [۲۰]. به دنبال آن مطلبی آمده است که در آن میزان دستمزد پزشکان بر اساس موقعیت اجتماعی بیمار ذکر شده است. در این بخش آمده است که مانتر-بیشتر (= پزشک ماتره) یعنی پزشکی که با کلام ایزدی به درمان می‌پردازد، بر دو گروه دیگر پزشکان یعنی کرتو-بیشتر (=کارد پزشک، جراح) و اورور-بیشتر (= گیاه/دارو پزشک) سروری دارد (وندیداد، بخش دو از فرگرد هفتم، بند ۴۴):

«اگر که بسیاری - پزشکان با هم گرد آیند [برای درمانگری بیماران] ... کسی که در این انجمن با کلام مقدس ایزدی درمان کند، او هرآینه هست از [میان آن] پزشکان، درمان‌گرترین ...» [۲۱].

از این مطلب می‌توان چنین استنباط کرد که دستمزد پزشکان علاوه بر وضع اجتماعی بیمار به جایگاه پزشک در رده‌بندی صنفی نیز بستگی داشته است. ترجمه دیگری از همین متن توسط ابراهیم پورداوود در دست است که همین مفاهیم را با زبانی ساده‌تر بیان می‌کند [۲۲]:

«در میان درمان‌بخشان، درمان‌بخش‌ترین کسی است که با کلام مقدس شفاء دهد».

در بخش هشتم از فرگرد هفتم وندیداد شیوه پرداخت دستمزد پزشکان و نیز دامپزشکان شرح داده شده است. در بند ۴۱ از این بخش، دستمزد درمان بزرگترین فرد مذکر از چهار طبقه جامعه ایرانی در آن روزگار یعنی خانه، ده، شهر و کشور به صورت پاداش‌هایی جنسی مقرر شده است. در این صورت به ترتیب برای درمان خانه‌سالار، کدخدای شهربان و شهریار به ترتیب کوچک‌ترین ستور، میانه‌ترین ستور، یک ستور بزرگ و گردونه‌ای چهاراسبه در نظر گرفته شده است. دستمزد درمان شهریار را برابر با هفتاد «ستیر» نیز نوشته‌اند.

بند ۴۲ همین سلسله مراتب را برای برترین عنصر مادینه هرکدام از چهار طبقه جامعه ایران باستان قائل شده است با این تفاوت که در آن نام ستور و جنس آن نیز تصریح شده است. پزشکان ایران باستان در صورت درمان بانوی خانه سالار، بانوی کدخدا، بانوی شهربان یا شه‌بانوی کشور به ترتیب دستمزدی معادل یک خر ماده، گاو ماده، اسب ماده و شتر ماده دریافت می‌کرده‌اند. در بند ۴۳ مغان مولف وندیداد دستمزد درمان پسر خانواده را یک ستور بزرگ تعیین کرده‌اند. از این رو برخی درمان شاهزادگان را نیز از این مقوله دانسته‌اند.

در همین بند شیوه‌ای برای تعیین دستمزد دامپزشکان نیز تعیین

1. Manōra- baešaza
2. Kareto-baešaza
3. Urvara- baešaza

مطالب باقی مانده کنونی دربارهٔ پزشک و پزشکی داشته‌است که به دست یونانیان و دیگر اقوام مهاجم نابود شده‌است [۲۸]. از این رو چنین می‌توان نتیجه گرفت که در ایران باستان دستمزد پزشکان بر حسب موقعیت اجتماعی بیمار و نوع بیماری متفاوت بوده‌است. با این حال بر اساس مندرجات نسک هفدهم اوستا، با عنوان هوسپارم نسک<sup>۱</sup> همواره برای پزشکان برجسته، شأن و منزلتی بالاتر در نظر داشته‌اند و چنین باور داشته‌اند که ایشان باید از لحاظ خوراک و پوشاک و مسکن و وسیله حمل و نقل کاملاً تامین باشند [۲۹ و ۳۰].

سنگینی برای عدم موفقیت پزشکان تعیین می‌شد. نمونه‌هایی از این مجازات‌ها را در بندهایی از وندیداد و قوانین حمورابی مشاهده می‌کنیم [۲۷].

### نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان بار دیگر بر اهمیت متون دینی اوستایی در روشن‌سازی گوشه‌های مختلف تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران تاکید نمود. در مورد اهمیت این بخش‌ها چنین گفته‌اند که اوستای موجود در دوران ساسانیان و پیش از آن، بخش‌های بزرگتری از

### References

- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, pp. 157, 468.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 510.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 518.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, pp. 157, 468.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 182-183, 496-498.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 503.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, pp. 253, 570
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, pp. 259, 576.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, pp. 205, 518-520.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 205.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 520.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 540.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 221.
- Gatha, Ghadimi tarin ghesmat e Avesta, edited by Ebrahim Pour-davoud, Tehran: Asatir (Publication), 1378, p. 570.
- Koch, H., Az Zabane Dariush (in Persian), Translated by Parviz Rajabi, Tehran: Kaarang (Publication), 1376, p. 67
- Avesta: Yashtha, translated by Ebrahim Pour-davoud, edited by Bahram Farrah-vashi, Tehran: Tehran University Publication, 1356, Vol, I, p. 143.
- Zarshenas, Zohreh, "Darou Va Darman dar Sonnat e Avestayi", Ayine ye Miras, Spring 1384, Vol XXIX (28), p. 221.
- Vandidad, edited by Hashem Razi, Tehran: Behjat (Publication), 1385, Vol II, p. 1024.
- Razi, Hashem, Daneshnameh ye Iran e Bastan, Tehran: Sokhan (Publication), 1381, Vol I, p. 434.
- Vandidad, edited by Hashem Razi, Tehran: Behjat (Publication), 1385, Vol II, p. 400.
- Vandidad, edited by Hashem Razi, Tehran: Behjat (Publication), 1385, Vol II, p. 401.
- Avesta: Yashtha, translated by Ebrahim Pour-davoud, edited by Bahram Farrah-vashi, Tehran: Tehran University Publication, 1356, Vol, I, p. 143.
- Vandidad, edited by Hashem Razi, Tehran: Behjat (Publication), 1385, Vol I, p. 138.

1. Husparam

24. Vandidad, edited by Hashem Razi, Tehran: Behjat (Publication), 1385, Vol I, p. 400.
25. Zarshenas, Zohreh, "Darou Va Darman dar Sonnat e Avestayi", Ayine ye Miras, Sprin 1384, Vol XXIX (28), p. 221.
26. Vandidad, edited by Hashem Razi, Tehran: Behjat (Publication), 1385, Vol I, p. 138.
27. Ghanoun Nameh ye Hammurabi, Translated by Kaamyar Abdi, Tehran: Sazman e Miras e Farhangi ye Keshvar (Publication), 1376, p.68.
28. Sajjadiyeh, Mohammad Ali, "Danesh e Pezeshki Dar Avesta", Vohouman, Fall 1372, Vol V, p.30.
29. A'zami Sangsari, Cheragh-ali, "Pishineh ye Pezeshki dar Rouzegar e Sasaniyan va Pish az An", in Sokhanvareh (A Collection of Articles), Edited by Iraj Afshar, Tehran: Tus (Publication), 1376, p.463.
30. Zarshenas, Zohreh, "Darou Va Darman dar Sonnat e Avestayi", Ayine ye Miras, Sprin 1384, Vol XXIX (28), p. 221.